

کارگران: حجره‌نشینان دشمن کارگرانند!

طلاعیه دبیرخانه
شورای مرکزی
سازمان فدائیان
خلق ایران
(اکثریت):

با اندوه بسیار به
اطلاع می‌رساند
یار وفادار و
استوار جنبش
آزادی و داد
رفیق
ماندنی انجام
درگذشت

در صفحه ۲

وزارت کشور تنها در آخرین روزها با برگزاری آن موافقت کرد. سران خانه کارگر که سازمانده این تظاهرات بودند اعلام کردند راهپیمایی توام با سکوت برگزار خواهند کرد. دیگر خانه کارگر استان آذربایجان غربی در تعریف مفهوم این «سکوت» اعلام کرده بود، ما می خواهیم با این سکوت اعلام کنیم که حامی و پیرو ولی فقیه و ادامه در صفحه ۳

- ۱۰- اعتراض گسترده کارگران به سیاست‌های خسدارکاری رژیم ابعاد سایقه‌ای یافته
- ۱۱- مطبوعات: این تظاهرات‌نشانه خوش‌های خشم کارگران است
- ۱۲- دده‌ها هزار تن از کارگران مراکز اخراج، به سردمداری آقای عسکر اولادی مواجه شد و پیدی و خدماتی در تهران و

مردم حواهان ازادی‌های بیشتر
برای مطبوعات هستند

برای مطبوعات هستند

A black and white photograph showing a residential street. In the foreground, there's a lawn with some low-lying plants and a path or driveway. Behind the lawn, several houses are visible, ranging from single-story bungalows to multi-story apartment complexes. The houses are surrounded by trees and shrubs. The sky is overcast.

با گذشت دو هفته از استیضاح مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد در مجلس شورای اسلامی و نایابی نایابندگان جناب محافظه کار در برکناری وی، بحث بر سر سیاست‌های وزارت ارشاد در عرصه مطبوعات با همان هیجان روزهای داغ استیضاح دنبال می‌شود. مهاجرانی گفته است که سیاست‌ها تغییر تخواهد کرد، مرتعین کنترل و نظارت پیشتر را طلب می‌کنند و مردم انتظار آزادی‌های بیشتری را برای مطبوعات دارند.

رسالت: این حکایت ادامه دارد. روزنامه‌های کیهان، رسالت، جمهوری اسلامی و ابرار که در تدارک استیضاح دخالت داشتند، اکنون در نوشته‌های خود مهاجرانی را با صفت وزیر «بد قول» و وزیری که با وعده‌های دروغین نظارت پیشتر بر مطبوعات از مجلس رای اعتماد گرفت، توصیف می‌کنند و از وی

نایابی نایابندگان و روزنامه‌نگاران را بیشتر زیر نظر بگیرد. روزنامه رسالت برای اثبات مصلحتی بودن وعده‌های مهاجرانی در مجلس نوشت: «شب قبل از طرفدار دولت با معاونان رئیسجمهور جلسه گذاشتند و در آن جلسه قرار شد که مهاجرانی در مجلس قول اصلاح غفلت‌ها و نارسایی‌ها را بدهد. به همین ترتیب عمل شد و مهاجرانی رای گرفت و حالا چند روز از آن وعده‌ها نگذشتند، می‌گوید گوش می‌کنم ولی عمل نمی‌کنم». لحن روزنامه جمهوری اسلامی از رسالت هم تندتر است و تهدید کرده است آن‌چه را که نایابندگان برای اعمال محدودیت علیه روزنامه‌ها توانستند در مجلس پیش برند، حزب الله پی خواهد گرفت. جمهوری اسلامی نوشته است: اگر آقای وزیر ارشاد بر سیاست نادرست فرهنگی، مطبوعاتی و هنری گذشته خود اصرار ورزد، طبعاً دلسوزان

۱۰. با مخالفت کمیسیون ماده
د. تظاهرات کارگری در تهران،
ج. مجره نشینان، دشمن کارگرانند!

با گذشت ده هفته از استیضاح مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد در مجلس شورای اسلامی و ناسایی نسایندگان جناح محفوظه کار در پرکناری وی، بحث بر سر سیاست‌های وزارت ارشاد در عرصه مطبوعات با همان هیجان روزهای داغ استیضاح دنبال می‌شود. مهاجرانی گفته است که سیاست‌ها تغییر نخواهد کرد، مرتعین کنترل و نظارت پیشتر را طلب می‌کند و مردم انتظار آزادی‌های بیشتری را برای مطبوعات دارند.

رسالت: این حکایت ادامه دارد

روزنامه‌های کیهان، رسالت، جمهوری اسلامی و ابرار که در تدارک استیضاح دخالت داشتند، اکنون در نوشته‌های خود مهاجرانی را با صفت وزیر «بد قول» و وزیری که با وعده‌های دروغین نظارت پیشتر بر مطبوعات از مجلس رای اعتماد گرفت. جمهوری اسلامی نوشت: است: اگر آقای وزیر ارشاد بر سیاست نادرست فرهنگی، مطبوعاتی و هنری گذشته خود اصرار ورزد، طبعاً دلسوزان جامعه نیز به منظور اصلاح این سیاست نادرست و از ادامه در صفحه ۵

در حالی که رفشنگانی از دستگیری گرفتاری گرفتاری شدند، این ایاز ناسف کرده است، سلاش گسترش بسیار آزادی او از سوی گروهی از نمایندگان مجلس، سنتانداران، مدیران اجرایی، شهرداران سواست رکشور و حزب کارگزاران سازندگی جوان دارد و خامنه‌ای برای «غفو» او به شدت تحت فشار قرار گرفته است.

کرباسچی روانه زندان شد

انقاد از رفسنجانی شدت می‌گیرد روز شنبه این هفته و پس از انتقال کریم‌آبادی به زندان نامه‌ای از او به رفسنجانی در چهارید کشور چاپ شده که در آن امده است: «مشارکت و تلاش در مسائل سیاسی (بخوان حمایت ارتکاب جرم که شاید در یک دادگاه ذی صلاح می‌توانست به انتخابات مجلس پنجم) با رغمود

اکنون کربلاجی، امیرانتظام، کدیور، علی توسلی در زندان به سر می‌برند. افراد بیاد شده هر یک عقیده‌ای و سابقه‌ای دارند.

زندان محکوم شده است، شدن. خواستار انحلال دادگاه ویژه روحتیت شدند.

صورت گرفت، داشجویان از ازادی بیان و افکار دست یک تظاهرات زهراء روید

در این تظاهرات زهراء روید روحانیت شدند. این تظاهرات در محاصره نیروهای انتظامی برگزار شد، اما بعضی از آنان بد وضوح تنها به شعارهای خود بزرگ شدند و عوامل وابسته به حزب الله

زندن محکوم شده است، شدن. همسر حجت‌الاسلام کدیور نیز حضور یافت. داشجویان در این تظاهرات به دعوت زندن. این تظاهرات به دعوت نیروهای انتظامی برگزار شد، اما بعضی از آنان بد وضوح تنها به شعارهای خود بزرگ شدند و عوامل وابسته به حزب الله

انجن اسلامی دانشگاه تهران تحت عنوان «حفظ حرمت سخنرانان بر لزوم «بانزنگی در بیان اندیشه و بیان آزادانه افکار و عقاید» برگزار شد و در جریان آن، داشجویان خواهان

یک تحصص ۶ ساعته و در این تظاهرات زهراء روید از ازادی بیان و افکار دست یک تظاهرات زهراء روید

از ازادی بیان و افکار دست یک تظاهرات زهراء روید

انجن اسلامی دانشگاه تهران تحت عنوان «حفظ حرمت سخنرانان بر لزوم «بانزنگی در بیان اندیشه و بیان آزادانه افکار و عقاید» برگزار شد و در جریان آن، داشجویان خواهان

شکست جناح ارتجاعی حکومت در استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بزرگ‌ترین شکست آنان از زمان پیروزی طرفداران آقای خاتمی در دوم خرداد سال ۷۶ تاکنون بود. اهمیت این حادثه تنها در آن نبوده که تلاش دشمنان آزادی برای تغییر «سیاست‌های فرهنگی» دولت و بازگشت به سوی اختناق کامل را با شکست مواجه ساخت، شکست مرتجلین در روز یازدهم اردیبهشت، آنان را زیک و سیله نهید دانی داشت - یعنی استیضاح وزرا و آن طور که افراطیون این جناح در نظر داشتند، استیضاح رئیس جمهور - محروم ساخت اکنون دیگر به نظر نمی‌رسد که ارتجاعیون بتوانند،

نشجويان در دانشگاه تهران در دفاع از «حفظ حرمت
صاحب‌النیشه و بیان آزادانه افکار» تظاهرات کردند

صاحب اندیشه و بیان آزادانه افکار» تظاهرات کردند

زادی حجت‌الاسلام کدیور که
وسط دادگاه روحانیت به ۱۸ ماه
نдан محکوم شده است، شدند.
در این تظاهرات زهراء روودی
مرحی حجت‌الاسلام کدیور نیز
حضور یافت. دانشجویان در
عماره‌ای خود بر لزوم ازادی
ایران و عقیده پای فرشته دند و
بخارانان بر لزوم «بازنگری در
دادگاه و پیشه روحانیت» تاکید
کردند.

وزیر یکشنبه گذشت،
شجاعیان در دانشگاه تهران به
تخصص ۶ ساعته و
سیاسی در دانشگاه در دفاع
از ازادی بیان و افکار دست
داد. این نظایر از مدنیان
امام راحمی دانشگاه تهران
عنوان «حفظ حرمت

شورای شهر تهران تشکیل شد

عبدالله نوری به ریاست شورای شهر انتخاب شد

حافظه کار توان رویارویی
ای حذف ۵ کاندید از ۶ کاندید
خست تهران را نخواهد داشت.
فعالیت نخستین دوره شورای
شهر تهران روز پنجمینه ۹
دی بهشت با قرائت پیام
سامنه‌ای و سخنرانی
پیش جمهور آغاز شد. خاتمه
این سخنرانی با مهمن قاطعیتی
در همایش استانداران ظاهر
ده بود، بر پای بندی خود به
عدد هایی که به مردم داده است،
کیک کرد و گفت: «با رعایت
صالح عام حفظ صالح عام،
وشاهی حفظ صالح عام،
خت و بدون هیچ گذشت، روی
نهادی که به مردم بستم،
می‌مانم». «خاتمه افزود: «با
غیر انگاشتن مردم و خود را قیم
ها دانستن، نمی‌توانیم یک
کوکمت پایدار داشته باشیم».
در اولین جلسه شورای شهر
تران که کرباسچی نیز به عنوان
هرهار حضور داشت، اعضا
بات رئیسه انتخاب شدند. در
نگزینش، همان طور که انتظار

ما پذیرش حضور عبدالله
وی، سعید حجاریان،
ریانفر، حکیمی پور و ابراهیم
غفرزاده به عنوان اعضای
رای شهر تهران ناگرانی
گنگی از بیخ گوش جمهوری
تمی گذاشت. تا روز گشایش
جلسه شورای شهر و
هیات رئیسه آن، هر لحظه
مال آن می‌رفت که مشاجره
من هیات عالی نظارت بر
بیانیات با وزارت کشور بر سر
نمی‌نهاد و یا غیرقانونی بودن
ویست این پنج نفر در شورای
تهران به خیابان‌ها کشیده
د و مردم به حمایت از یکی و
دست چنان دیگر وارد درگیری
شد.

شکستی که می توان از آن یک سروزی ساخت

پرسنل

شکست جناح ارتجاعی حکومت در استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بزرگ ترین شکست آنان از زمان پیروزی طرفداران آقای خاتمی در دوم خرداد سال ۷۶ تاکنون بود. اهمیت این حادثه تنها در آن نبود که «دانش دشمنان آزادی برای تغییر «سیاست‌های فرهنگی» دولت و بازگشت به سوی اختناق کامل را با شکست مواجه ساخت، شکست مرتعجین در روز یازدهم اردیبهشت، آفان را از یک وسیله تهدید دائمی دولت - یعنی استیضاح رئیس جمهور - که افراطیون این جناح را بازگشته بودند، محروم ساخت. اکنون دیگر به نظر نمی‌رسد که ارتجاعیون بتوانند، محروم باشند. مگر با پیش‌آمد های غیرمتربقه، دولت و وزرا را با سلاح استیضاح بترسانند. محافظه‌کاران با این شکست موثر ترین وسیله خود در مقابله با دولت و اصلاحات را از دست داده‌اند و خود به دست خود ثابت کردند دیگر توان رویارویی مسالمت‌آمیز با اصلاحات را ندارند. برای آنان راههایی باقی مانده است که هر لحظه پرخطر تر و پرهزینه‌تر می‌شود. یا باید ولایت فقیره را مستقیماً وارد عمل سازند، همان کاری که خصیبی با پسندیده کرد و یا ساید برای سرکوب اصلاحات به سرکوب مستقیم متولی شوند و این هر دو کار در شرایط فعلی چنان پرمخاطره است که سپیار دشوار به نظر نمی‌رسد جناح محافظه‌کار بتواند در مورد آنها به توفیقی یک پارچه دست یابد. به این ترتیب می‌توان گفت تهاجمی که از آغاز سال جاری با توب و تشر خامنه‌ای و سپس بزدی آغاز شد و بعد از عنوان پروژه محروم، سرکوب سریع و فوری و یک باره اصلاحات، معروف شد، شکست خوده است و این شکست می‌تواند توازن قوا در ایران را به کلی دگرگون کند.

در مورد دلایل شکست اکثریت مجلس در استیضاح وزیر ارشاد، دلایل زیادی آورده شده است و از جمله دفاعیه «محکم و مستدل» وزیر، در این سلسه دلایل که در روزنامه‌های ایران پرasherده می‌شود، جای برجسته‌ای دارد. در این تردیدی نیست که دفاعیه مهاجرانی در مجلس و تاکید او بر ادامه سیاست‌های وزارت ارشاد، از عواملی بود که رنگ برخی از ورقه‌های رای را عوض کرد. طرفداران دولت از تجویه استیضاح عبدالله نوری آموختند که سکوت و عقب‌نشینی تنها موجب جری تر شدن رقبا می‌گردد. اما جنگ اصلی برای استیضاح وزیر ارشاد و پایان دادن به سیاست‌های نیمه باز مطبوعاتی و فرهنگی، در جامعه جریان داشت. جناح ارتجاعی حکومت برای پیروزی در این استیضاح همه نیروهای مستقیم و حتی نیروهای ذخیره خود رانیز وارد این کارزار کرد و با توصل به روحانیون و مراجع تقليد، و پسیج عوامل خود در میان هنرمندان و «خانواده شهداء» و مطبوعات کوشید مجلس را برای رای دادن به استیضاح تحت فشار قرار دهد. در جبیه آماده در صفحه ۴

اطلاعیه دیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با اندوه بسیار به اطلاع می‌رساند

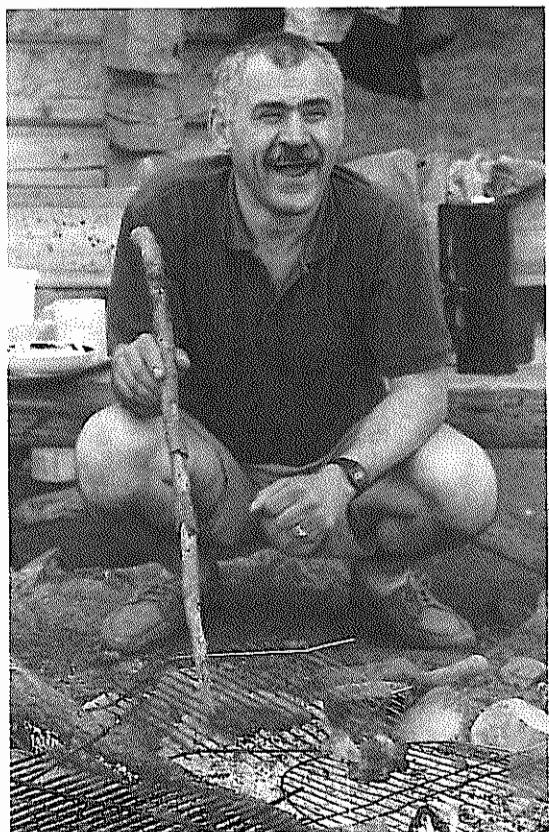
یاروفادار و استوار جنبش آزادی و داد رفیق ماندنی انجام، درگذشت

با دریغ و درد، با اندوه بیکران، به اطلاع می رساند؛ رفیق ماندنی انعام، رزمnde سرشناس جیش کارگری ایران، یار وفادار و پرشور جنپیش آزادی و داد، کادر برخسته و پرافخار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تاریخ چهارشنبه ۲۸ اوریل، در بازار آشناگاهی در شهر مالمو سوئد، به نزدی خویش پایان داد و دوستداران بسیار خود را در اندوه بیکران یافی گذاشت. رفیق ماندنی انعام، در ماههای اخیر، نزدیک بسیار پردردی را از سر می گذراند و با همه نلاش یاران، سخت تنهای و اندوه‌گین بود. به درازا کشیدن بازداشت بدون محاکمه او و کوتاهی مستولیں مربوطه در مورد وی نیز بیش از پیش به روح حساس رفیق ماندنی آسیب رساند و او را به سوی فاعجه سوق داد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با اندوه بسیار درگذشت رفیق ماندنی انعام، یار وفادار کارگران و زنجیران را به خانواده گرامی وی و به همه دوستان و همزمان او تسلیت می‌گوید. باشده که خاطره تابناک این رنجیر رزمnde پر توافقان راه همه مدافعان عدالت و آزادی باشد. فدائیان خلق در برابر حاطره او به اختیام سر قرود می‌آورند و همواره یاد مهانگیر رفیق همیشه خود را در قلب خویش زنده نگاه می‌دارند. مراسم حاکمیتی و همایش پرگداشت رفیق ماندنی روز جمعه ۱۴ ماه مه، در شهر مالمو، در سوئد برگزار خواهد شد.

دیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت)
بکم ماه مه ۱۹۹۹

پایانی تراژیک برای یک مبارز شوریده



وحتیانه رژیم به سازمان در سال ۶۴، رفیق ماندنی مجبور به ترک اهواز و یاران محبوب خود گردید و به تشکیلات مخفی سازمان در شهر دیگری پیوست. در سال ۶۵ مجدداً سازمان مورد هجوم رژیم قرار گرفت و زمانی رسید که ماندن در میهن برای ماندنی ناممکن گردید. در سال ۶۶ با چشمانی گربان ایران را ترک کرد. ماندنی تا واپسین ماههای خودکشی غم‌انگیز در شهر مالمو در سوند، همسچنان پرشور و پراید باقی مانده بود. باد او گرامی باد!

که داشت در میان کارگران از اعتیاب و نفوذ فراوانی بروخوردار بود. کارگران به خاطر صیغیتی که با او داشتند، او را «ماندو» صدا می‌کردند. رفیق ماندنی در آستانه انقلاب به سازمان پیوست و در جلب و جذب عده بسیاری از کارگران اهواز به سازمان نقش مهمی داشت. او به همراه عده‌ای از فعالین شورایی، به چرم سازماندهی اعتتصاب کارگران فولاد در سال ۵۹ بازداشت و زندانی شد و مدتی را در زندان به سر برد. به دنبال هجوم

است که مراکز باقیمانده با
ماعت فرهنگی، هنری، ورزشی
و آموزشی عمومی را طی یک
ماد به سازمان مذکور واگذار
کند. بد هنگام تصویب این ماده،
عبارت «از جمله شهر کتاب،
فعالیت‌های تبلیغات شهری،
موسسه و روزنامه همشهری» از
این تبصره حذف شده است. و
همین اصلاحیه مورد تأکید
مسئولین فعلی روزنامه
همشهری است که مدعی‌اند این
روزنامه باید در اختیار
شهرداری، و از این بعد شورای
شهر تهران، باقی بماند. □

سرنوشت نامعلوم «همشهری»

تاكيد کرد مطابق اين مصوبه روزنامه همشهری باید در اختیار سازمان او قرار گيرد. وی گفت شهرداری تهران موظف خواهد بود ظرف يك ماه موسسه فرهنگی همشهری را به سازمان فرهنگی - هنری انتقال دهد. وی گفت که خطمشی فعلی این روزنامه تغییر خواهد کرد و روزنامه همشهری از این پس بعد «روزنامه همشهری از این پس بعد در خدمت اهداف کلان نظام متصور و اعاظی فرهنگی - هنری ساخته شده است. به دنبال آینده شورای آستانه کستrel بن آن از کستrel کوامت است، و در اختیار جناح مهشمehrی بـه من طرح انتقال هنگـی - هنـری تصویب رسـانـد.

مجلس شورای اسلامی طرح واگذاری موسسات فرهنگی و هنری شهرداری تهران به سازمان فرهنگی - هنری شهرداری را به تصویب رساند. هدف اصلی این طرح، انتقال مدیریت روزنامه همشهری به این سازمان، که در اختیار جناح سرکوب گر کوکومت است، و خارج کردن آن از کنترل شهرداری، و در آینده شورای شهرداری، و در آینده شورای تهران، است. به دنبال تصمیم مجلس، مصروف واعظی ریس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری در مصاحبه‌ای با کیهان

پرونده قتل‌ها

مردم از پیگیری دست برنمی‌دارند

شش ماه از قتل فجیع حمید حاجی زاده و فرزند ۹ سالدارش، پروانه داریوش فروهر، سجاد شریف، اسکندری، مجید شریف، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده به دست عوامل وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، پنج ماه از اعتراض دستگاه امنیتی رژیم به دست داشتن در این قتل‌ها و چهار ماه از تعویض وزیر اطلاعات دولت خاتمی به علت این قتل‌ها می‌گذرد. با اینکه نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح گفتند است همه عوامل می‌باشان و اکثر طراحان این قتل‌ها شناسایی شده‌اند، از محاکمه قاتلان خبری نیست. مقام مذکور (نیازی) اخیراً حتی گفتند است رسیدگی به این پرونده مهم ملی بیش از حد متعارف و معمول به طول بیانجامد.

علاوه بر مردم، روشنگران و دگراندیشان خارج از حکومت، در دون روز نیز برخی از نسیروهای اخیر از دفع وقت در هفتادهای اصلح طلب در رسیدگی به پرونده قتل‌ها استقاد کردند. هفتاد گذشته روزنامه رادیویی، گیگ، د، م. داندند. ان

تحلیل که مردم به پرونده قتل های پائیز ۷۷ به مثابه محک تحقیق و عده های رئیس جمهور می نگردند، بر نکته اصلی در ارتباط با این ماجرا انگشت می گذارد. نتیجه گیری منطقی از این تحلیل نیز همین است که میزان پیگیری شخص خاتمی در روشن شدن کامل حقیقت قتل ها، محک جدی بودن رئیس جمهور در عمل کردن به وعده های خود است. خاتمی بلا فاصله پس از وقوع این جنایات، قول داد که عاملان و مشوّقان قتل ها را در هر مقام و هر لیاسی که باشند به مردم معرفی خواهد کرد. اما کسانی که رئیس جمهور مأمور رسیدگی به این قضیه کرد، پس از اعتراف وزارت اطلاعات به دست داشتن در قتل ها در نیمه راه ایستادند و حتی به عقب پیاز گشتد. مسئول هیات انتصابی خاتمی برای رسیدگی به قتل ها، مدعی شد که هیچ جناح حکومتی در این جنایات شرکت نداشته و تصمیم به انسجام قتل های مزبور، به صورت «محفلی» گرفته شده است. اکنون می گویند قتل ها باید سرخی در خارج داشته باشد. این اعداء های متناقض، یک وجهه اشتراک دارند: تلاش برای لاپوشانی ماجرا و مخدوش کردن حقیقت. آیا مردم تا وقتی از خاتمی واکنشی در برپای این خاک به چشم پاشیدن ها نیستند، حق ندارند در میزان پایانیدی رئیس جمهور به وعده هایش شک کنند؟ آیا مردم می توانند تردیدی به خود راه دهند که قتل هایی که پیش از وقوع توسط هها ساختگوی رنگانگ دشمنان آزادی در ایران و روزنامه های وابسته به آنها ترویج و زمینه سازی شده اند، چیزی جو تروریسم دولت، به دادنده؟

صبح امروز که مدیر مسئول آن حجایران از مشاوران خاتمی و اعضای شورای شهر تهران است، به نتیجه رسیدن پرونده قتل ها را از معیارهای سنجش تحقق وعده های رئیس جمهور به مردم دانست.

این ابراز نگرانی ها نسبت به طولانی شدن رسیدگی به پرونده قتل ها یهوده نیست. از همان بدو وقوع جنایات مزبور، جناح مسلط در حکومت به رهبری خامنه ای نهایت تلاش خود را به کار برد تا عاملان قتل ها از چشمان مردم مخفی سمانند. خامنه ای در یکی از نطق هایی که چند روز پس از قتل های زنجیره ای ایراد کرد، «با اطمینان» مدعی شد این جنایات کار قدرت های خارجی است. اکنون نیز که پنج ماه از اعتراف صریح وزارت اطلاعات به دست داشتن در قتل ها می گذرد، گماشتن گان خامنه ای در دستگاه قضائی ادعای رهبریان را تکرار می کنند و از «انگیزه های خارجی» سخن می گویند. صرف نظر از اینکه مظلوم از «انگیزه های خارجی» چیست (قاعدتاً مظلوم آقای رسیدگی که عنوان عالی رتبه ترین قاضی جمهوری اسلامی را بدک می کشد از «انگیزه خارجی»، معکران یا مشوقان خارجی است) به تعویق اندختن رسیدگی قضائی به بهانه روشن نبودن انگیزه های قتل، نمی تواند بد چیزی جز اثلاف وقت تعییر شود. نیازی رئیس سازمان قضائی نیزه های مسلح که به علت دخالت مأمورین و زارت اطلاعات در جنایات، به عنوان مسئول رسیدگی به قتل ها تعیین شده است، آب پاکی را روی دست همه مشتاقان به داشتن حقیقت در ارتباط با قتل ها ریخته است و «وعده» از به طول انجامیدن رسیدگی به پرونده تا پایان سال، یعنی، تا حداقل ده ماه دیگر

محمد بیزدی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در نیاز جمعه گذشته تهران، علی رغم اینکه از «پیشرفت بسیار خوب» در رسیدگی به پرونده قتل های پائیز ۷۷ خیر داد، اضافه کرد «لازم است تحقیقات پیشتری برای کشف اهداف و یا احتمال انجیزه خارجی قتل ها صورت گیرد». بیزدی در توجه به دارا کشیدن رسیدگی به پرونده، به قدیسین اسلام متول شد و خاطر نشان کرد: «آنچه معصوم همواره سفارش کرداند که در کشف حق باید صابر بود، لذا در رسیدگی به این پرونده نیز نباید تسریع کرد، چراکه سرعت در آیینجا مطلوب نیست».

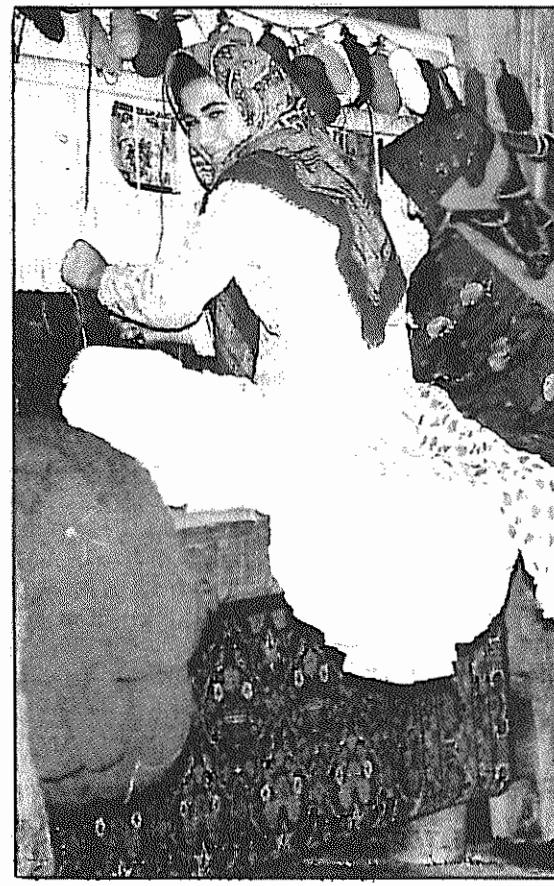
سخنان بیزدی در پاسخ به افرایش فشار افکار عسومی برای اعلام نتایج رسیدگی به پرونده قتل ها و محاکمه عوامل آن ایجاد گردید. در اوایل اردیبهشت ماه، تهران شاهد شعار نویسی شبانه بر روی دیوار سرخی از خیابان های اصلی و از این طریق، طرح خواست محاکمه قاتلان بود. همچین هفتاد گذشته به گزارش روزنامه ایران سوix ۱۶ اردیبهشت، هیأت دیربان وقت کانون نویسنگان ایران با انتشار بیانیه ای از رئیس قوه قضائیه خواستند جریان رسیدگی به پرونده قتل ها «یش از حد متعارف و معمول به طول نیانجامد». در بیانیه کانون نویسنگان خطاب به بیزدی آمده است:

«روشنگر کان ایران به ویژه اهل قلم در سال های اخیر نویسنگانی را از دست داده اند که از جمله آرمان های برحقشان آزادی بیان و قلم و حاکمیت قانون بوده است و این حقوق ایجاب می کند که هر کس بتواند بدون بیم و هراس

درگیری در دانشگاه اصفهان

به دنبال دعوت انجمن اسلامی اتفاقهان از مهندس عزت الله سحابی برای سخنرانی، این داشنگاه شاهد دو ساعت درگیری داشتجویان با عوامل حزب الله بود و سرانجام نیز سحابی موقق به سخنرانی نشد. به گزارش کیهان دعوت سحابی به سخنرانی بدون اطلاع نهاد نمایندگی ولایت فقیه در این داشنگاه صورت گرفته بود و از همین رو با مخالفت «داشتجویان اصولگر» مواجه شد. به نوشته این روزنامه درگیری از طرف انجمن اسلامی شروع شد و چند نفر از داشتجویان حزب الله مجبور شدند. اما روزنامه جمهوری اسلامی در گزارشی پیرامون این حادثه نوشته است: گروهی از داشتجویان با اطلاع از سخنرانی سحابی، به مسئولین داشنگاه مراجعه کرد و خواستار جلوگیری از حضور نامیرده شدند، که وقتی با اقدامی عملی از سوی مسئولین داشنگاه مواجه نشدند، خود را با حضور در محل برگزاری میزگرد و با شعارهایی علیه سحابی و نهضت آزادی، از سخنرانی وی جلوگیری کردند. انجمن اسلامی داشنکده پژوهشی اتفاقهان طی چند روز اقدام به برگزاری میزگرد هایی تحت عنوان «جریان های ملی و مذهبی یک صد سال اخیر» کرد بود. ■

طرح اتاق
بازرگانی چه
نتایجی را به
دبی خواهد
آورد؟



جنبش دانشجویی و سنت همبستگی با زحمتکشان

رفتاری که در سال‌های اخیر جای خود را در هنگارهای اجتماعی باز کرده است. واقعیت این است که در دهدوهای گذشته، حقوق و آزادی‌های فردی آنطور که باید جایی در نظام ارزشی جیش چپ ایران (ونه فقط ایران) و نیز جنبش دانشجویی ایران که تا حد زیادی متأثر از جنبش چپ بود نداشت. در نوشش فردگرایی در این جنبش تا حد نفی فردیت انسانها و بی‌توجهی به حقوق و آزادی‌های فردی افراد می‌شد. اکنون، شاهد نوسان آونگ از آن افراط به تغیر شده‌ایم. در میان پیاری از فعلان جنبش ازدیخواهی در کشور ما به علت سایق ذهنی موجود است. نسبت به هرگونه نفی فردیت و آزادی فردی، بدینه نسبت به شعارهای پیمانه از مساحت این جنبش خواست پیمانه در دفاع از حقوق اجتماعی و همبستگی این ادعای شنیده می‌شود که در مرکز توجه قرار گرفتن آزادی و توسعه سیاسی، وضع اقتصادی و مشغولند.

علاقه نسل‌های گذشته این جنبش پیش از تاریخ معاصر مبارزات ازدیخواهانه در کشور ما بسیار مثبت است و می‌تواند پیوند نیک نسل‌های گذشته این جنبش برقرار کند. از جمله سنت جنبش فعالیت‌های داشتگان از مساحت این جنبش پیش از این طبقه کارگران و زحمتکشان اصلی این اتفاق است. در جنبش ازدیخواهانه و مدافعان از مساحت این جنبش این ادعای شنیده می‌شود که در مرکز توجه قرار گرفتن آزادی و توسعه سیاسی، وضع اقتصادی و مشغولند.

دانشجویان ایران را نسبت به اینکه ۲۰ سال اخیر فرد مردم ایران را بهینه مصالح امت از آزادی‌های شخصی محروم کرد، با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خویش و با پیگانه کردن انسان‌ها از جامعه، زمینه را برای گسترش شدیدترین فردگرایی فراهم نموده است. با این همه، می‌توان و باید در تعادل لازم میان مبارزه برای مساحت دانشجویی تناسب و حقوق فردی و حقوق اجتماعی، میان خواسته‌های برق‌دانشجویان به عنوان جوانانی با نیازهای طبی انسانی و تبعید اجتماعی انان، به وجود آورد. لازمه ایجاد این تعادل و استقبال بیشتر دانشجویان از اندیشه همبستگی اجتماعی، رساندن صدای چپ مدرن و نوسازی شده به گوش دانشجویان است. چی که زنگار نفی فردیت و پی‌اعتنایی سه حقوق و آزادی‌های فردی را از اندیشه خود زدوده است. در این زمینه هم پیشروان جنبش دانشجویی و هم فعلان جنبش چپ مسؤولیت دارند. ■

جهنمکشان برای بهبود شرایط زندگی خود، ضرورت دارد. از یک سو، غیرقابل تصور است که

جهنمکشان تسوه‌های میلیونی از ۱۳۵۹ به بعد، امیدوار بود از آن هیچ صدای ازدیخواهی برخیزد، بار دیگر به یکی از اسیوی دیگر میزان تأثیرگذاری کانون‌های اصلی مبارزه برای دمکراسی و احقة حقوق پایمال شده مردم تبدیل شده است. روزی نیست که ازدیخواهانه و تشكیل‌های آنها حرکت در دفاع از آزادی این و مطبوعات آزادیخواهانه که در شرایط دشمنان آزادی که در شرایط امریز این ضرورت بر سر راه درک این ضرورت در جنبش زحمتکشان و مدافعان از مساحت این جنبش از یک سو و چشم و دارند از آنها خواسته ای از جمله، دیگر، منشاً این خطر است که

در حال حاضر، موافق است

ازادی‌ستیز حکومت سازمان

ندهنده. همزمان با شرکت در

فعالیت‌های سیاسی روز، هزاران

مسابقات خود نیز هستند، بین مبارزین

برای ازدیخواهی می‌برد، بدینه

شدن و حتی اعدام هزاران فعال

حقیقت و داشتن، به کشکش و

مطالعه پیامون تاریخ معاصر

ایران و علی‌شکست جنبشی‌های

پیشین مژده برای آزادی

مشغولند.

دانشجویان نسل جدید که

سال‌های پر تلاطم انقلاب را

شخصاً تجربه نکرده‌اند، تشنّه

دانشجویی از ۱۳۵۹ به بعد آغاز

نخست دهه ۷۰، سال‌های رکود

جنبش دانشجویی، ادامه یافت.

در این سال‌ها، امکانی برای

انتقال نسل به نسل سن نهضت

دانشجویی ایران نبود.

دانشجویان امروز، تها از طریق

کتابها و نشریات با این سنت

آنها می‌شوند. متأسفانه به علت

سرکوب خشن گذشته این جنبش

تسویه بارگاهی را نهضت

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجویان از طریق

کارگران و زحمتکشان از

حقوق انسانی و مدنی

دانشجوی

شورای شهر تهران تشکیل شد

تبزه، آگیون اعتماد

جوانان را نشانه و فته است

اعتراضات مسئولین نظام
اسلامی در ارتباط با تعداد
متعادلین و شیوع مواد مخدر
در بین نوجوانان و جوانان و
امار و ارقام اعلام شده در
این ارتباط، نشان از گسترش
میسيتی است که بر نوجوانان
و جوانان کشور می رود.
طبق اعلام ستد مبارزه با
مواد مخدر رئیس اسلامی،
(اگر در بیان رقم صادق بوده
باشد) در حال حاضر ۱/۵
میلیون متعاد در سطح کشور
شناسایی شده اند، که میانگین
سنی آنها تاکنون بین ۲۴ تا
۳۴ سال بوده است. با این
نحوه رشد و با توجه به رشد
جمعیت تاسال ۱۴۰۰، کشور
ما حدود ۱۹ میلیون نفر متعاد
خواهد داشت، که با رشد
تساعده رقم، میانگین سنی
متعادلین نیز به پانیز تن کشیده
خواهد شد. بنابراین
نوجوانان و جوانان کشور در
این عرصه نیز در مرکز هدف
آفیون مرگی قرار دارند.

حکومت جمهوری اسلامی اگر خود مستقیماً عامل این فاجعه نبود، مسبب و محرك این مصیبت اجتماعی بوده و سیاستهای آن، عامل عدمه این فاجعه است.

نحوه که خود میگیریم این سیاست را نیز به دام روکشید.
سایه مبارزه با مواد مخدر در جهان و مشخصاً در کشور خودمان نشان میدهد که با تکیه بر زور و تهدید و توصل به فشارهای فیزیکی و حتی اعدامهای فراوان، که روش سورد علاقه نظام اسلامی میباشد، نمیتوان با اعتیاد به مبارزه بخواست، بلکه تھوڑات و برنامه ریزی های اسلامی و ریشه ای تر اجتماعی و اقتصادی را طلب میکند، بطوری که طبق اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر، نیروی انتظامی تا بحال تنها قادر بوده است ۲۰ تا ۴۵ درصد از میزان مواد مخدر موجود را کشف و ضبط کند و بقیه این مواد در سطح جامعه توزیع

می شود.
تقلیل سیکاری و ایجاد
زمینه های اشتغال به کار،
ایجاد آمده های پایدار در این
زمینه و سایر زمینه ها و
احتیاجات این نسل برای
آیینه، ایجاد ازدی و
امکانات لازم در زمینه های
سالم تغیری و ورزشی و
تحصیلی... متناسب با
روحیات و نیازهای آن و بالا
بردن سطح رفاه عمومی و
امنیت در معیشت خانواده ها،
از ابتدائی ترین ایزارهای
مناسب، موثر و کارا برای
جلوگیری از پیشوی این
اقایون اجتماعی و ریشه کنی

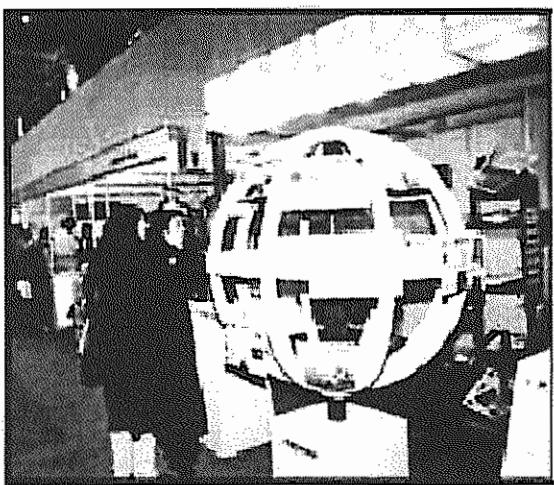
شود.
از وظایف بین المللی:
متظاهرات می کنیم تا نسبت به
بریگا گذاشتن حقوق بشر
زادی انسانها در ترکیه که منجع
مه جلوگیری از اجرای ادای
پونگید یک زن فقط به خطاطی
پوش باش در پارلament آمریکا
شور شده، اعتراض کنیم تا
زادی پرای انسانها بخصوص
آنوان اکثر همچون کشته

روزنامه‌های حزب‌اللهی جشنواره مطبوعات را تحریم کردند

مردم با حمایت از روزنامه های که پسیگرتر و جسور تر به شعارهای دوم خبرداد پیرخاسته اند، از فشار حکومت بر انان کاسته اند اما هنوز کمیت و کیفیت مطبوعات کشور فاصله عظیمی با کفرت جمیعت و اراده انان برای ایجاد تغیرات بنیادی در فضای سیاسی ایران دارد. عامل اصلی این فاصله، سیاست سانسور و سرکوب دائمی اهل قلم است که مانع رشد کمی و کیفی مطبوعات می شود و نمی گذارد روزنامه نگاران و خواسته های مردم را با صراحت و شفاقت و به دور از دغدغه حرفة و جان خود، بازتاب دهدن.

در جامعه مطبوعاتی ایران هنوز جای بسیاری از روزنامه ها و نشریات خالی است. «کار» یکی از این نشریات است که حکومت مانع از حضور آن در کشور می باشد و بین این روزنامه با خوانتگاری فاصله انداخته است.

علیرغم کاستی ها، روزنامه ها و مجلاتی که در کشور چاپ می شوند، سنگر مهم مبارزه علیه استبداد هستند و نقش ارزشداری در روشنگری و بسیج مردم بر عهده دارند. □



کردن. صند تن از روزنامه‌نگاران، داوری او لیه بررسی مطبوعات و انتخاب پیشترین مقاله‌ها را بر عهد داشتند. داوری نهایی بر عهد دادند. احمد بورقانی، هادی خامنه‌ای، لیلا رستگار، جلال رفیع، عباس عبدی، علی مزروعی و محمد مهدی بورقانی بود. شمار روزنامه‌ها و مجلاتی که تا دوم خرداد سال ۷۶ در ایران چاپ می‌شدند، به جز ماهیات

در ششین چشواره
مطبوعات که از روز جمعه ۱۷ تا
شنبه، روزنامه‌های کیهان، ابرار،
رسالت، جمهوری اسلامی و
سایر نشریات حزب‌اللهی و ضد
ازادی غایب بودند. این
روزنامه‌ها در اعتراض به توکیپ
اعضای هیات داوری که اکثر اعضا
صنفی روزنامه‌نگاران بودند و
همچین در اعتراض به
سیاست‌های مطبوعاتی وزارت
ارشاد، چشواره مطبوعات را
تحريم کردند و کوشیدند آن را از
رونق بیندازند. اما با یه گفته
چمیله کسیبور یکی از
روزنامه‌نگاران سرشناس
ظرفدار خاتمی، تحریر کنندگان
حتی دو درصد تیراز نشریات را
نداشتند و اقدام آن‌ها در استقبال
مردم از چشواره چنان تاثیری
نداشت.

در این چشواره که در محل
نمایشگاه‌های دائمی تهران برپا
شد، بود. در فاصله یک هفته
که چشواره جریان داشت،
نویسندهان و سردیران
روزنامه‌ها برای بازدید کنندگان
از غرفه‌های مطبوعاتی سخنرانی

آرای مردم را باطل اعلام کرد.
شورای تهران علیرغم حضور
گلپایگانی، رئیس دفتر خامنه‌ای
در نخستین جلسه آن، هنوز از
طرف مخالف وابسته به جناح
محافظه کار به رسیدت شناخته
نشده است. روزنامه رسالت
شورا را یک نهاد غیرقانونی
خواند. این روزنامه در مقاله‌ای
تعیین هیات رئیسه شورای تهران
را عجولانه و خودسرانه خواند و
نوشت: «اعضای انتخاب شده به
عنوان هیات رئیسه طبق قانون با
مشکل مشروعیت روبرویند و
نهایی ترین مرجع قانونی در
انتخابات شوراها به دلیل
عدم صلاحیت‌های قانونی رای
آن‌ها را باطل اعلام کرد است.»
مشروعیت شورا با رای مردم
است، نه با رای موحدی ساوجی
و نویسنده هم نظر او در روزنامه
رسالت، مردم به نمایندگانی که
موحدی ساوجی آن‌ها را در کرده
است، بیشترین رای را داده‌اند.
اما رای مردم مشروط است. این
شوراها از نظر مردم تن آن جا
مشروعیت دارند و مورد حمایت
قرار خواهد گرفت که بیانگر
خواست و اراده آنان باشدند و نه
ابزار جنگ قدرت جناح‌ها و
وابسته به آن‌ها. شوراها اکنون با
همه کارشنکی‌های دشمنان
آزادی و در غیاب نیروهای
دگراندیش و احزاب غیرحکومتی
تشکیل شدند. مردم در انتظار
اقدامات عملی برای حل
مشکلاتی هستند که زندگی و
امرار معاش آنان را دشوار کرده
است.

ادامه از صفحه اول
نظرخواهی از مردم و گروه‌های
مخالف برگزیده شود. از
گمانهزنی‌های مطبوعات نزدیک
بچشم، پیداست که شهردار
آنی نیز از میان افراد وابسته به
حکومت خواهد بود و شورایی که
با رای مردم انتخاب شده،
شهردار آینده را در میان آنان
جستجو خواهد کرد. از هاکنون
محسن صفائی فراهانی،
اصغرزاده، عطربانی‌فر از طرف
کارگزاران و داشت‌اشتیانی از
طرف جناح چپ حکومت
کاندیدای شهرداری تهران
ستند.

رویداهای شورای شهر تهران
چنان اخبار سایر شوراهای کشور
را تحت تاثیر قرار داد که
اقدامات هیات ناظرات در سایر
شهرها در سایه قرار گرفت و
روزنامه‌ها کمتر به بررسی
شوراهای شهرهای مهمی مثل
اصفهان، تبریز و مشهد
پرداختند. طبق تصمیم هیات
عالی ناظرات، در استان اصفهان
انتخابات شورهای فولاد شهر،
نجف آباد، علویجه، گلستان، دهن
و بخش مرکزی نجف آباد باطل
شد. در همین استان علیرغم تایید
کلی «انتخابات اصفهان، آرای
چند نفر در اصفهان، سیمیر،
قهریجان و کاشان با استفاده به
بند ۵۵» ماده ۱۹، باطل شد. در
استان تهران انتخابات کرج و در
اردبیل آرای پرسخی از
کاندیداهای شهر گیوی، باطل
اعلام شد. در سیماری از بخش‌ها
روستاهای، دیگر هیات ناظرات

مردم خواهان آزادی‌های بیشتر ...

نماينده حاضر در جلسه، ۱۲۵
نماينده راي موافق، ۷ نفر راي
مسمعتو و ۱۲۱ نماينده راي
مخالف به مهاجرانى دادند.
از رسابي ارای نمايندگان
نشانگر آن است که دسته اي که
در مجلس پرس خود عنوان
«مستقل» گذاشتند و در
راي گيرى ها بنا به منافع خود در
جانب دولت یا سخالان قرار
می گيرند، اين يار طرف دولت را
گفتند. در اين گريش به دولت،
چشم انداز انتخابات مجلس ششم
که قرار است در پيان سال جاري
برگزار شود، موثر بود، خاصه آن
که نمايندگان طرفدار دولت گفته
بودند اگرچه راي گيرى مخفی

ادame از صفحه اول
بين بردن انحرافاتي که در عرصه
فرهنگ، مطبوعات و هنر وجود
دارد، به وظيفه خود عمل خواهند
كرد.

مهاجرانى: مشی
وزارت ارشاد تغيير نمي کند
در پاسخ به اين روزنامه ها،
مهاجرانى روز سشنده ۱۴
اردیبهشت، سه روز بعد از
استیضاح، در يك مصاحبه
مطبوعاتي گفت: «اگر ما
مى خواستيم که نظرات
استیضاح كنندگان رالاحظ کنيم
که استیضاح نمى شدیم» و افزود:
اعتقاد نداريم که در صحبت هاي

است، ولی آنان نام خمه کسانی را
که در روز رای گیری رای مخالف
بدهند، انتشار خواهند داد تا مردم
در جریان قرار گیرند. قاطعیت
خاتمی در ادامه سیاست‌های
دولت نیز در موقعیت مهاجرانی
جای خود را داشت. نمایندگان
می‌دانستند که خاتمی با
مهاجرانی یا بدون او، سیاست
جاری، ادامه خواهد داد.

مخالفان هیچ مطلب حق نیست،
اما این که ما متناسب با دیدگاه
آنان خطمشی وزارت فرهنگ و
ارشاد را تعیین کنیم، چنین اتفاقی
نخواهد افتاد.

بایان «اکتریت» در مجلس؟
گردانندگان کیهان، رسالت و
نمایندگان جناح راست انتظار
نداشتند که مهاجران، از مجلس

رای اعتماد پگیرد. طبق محاسبه آنان مهاجرانی رفتی بود. جناح راست برای حذف وی از کابینه به قدر کافی زمینه‌سازی کرده بود و حتی شب قبل از جلسه استیضاح ۱۲۵ تن از نمایندگان مخالف دولت برای برکناری مهاجرانی و تغییر در سیاست دولت خاتمی در عرصه فرهنگ و مطبوعات «هم قسم» شده بودند.

نخستین شانه‌های ان تشیدی روز استیضاح با هلهله جناح
اختلف در این جناح و راست و دلهله طرفداران
سردرگمی‌ها و گنجیگ سری‌های خاتمه آغاز شد. بعد از ۷ ساعت
پیشتر است. از این شکست، گفتگو و رای‌گیری در پایان
می‌توان پیروزی‌های تازه‌ای را چلسه، این مخالفان دولت بودند
برای جنبش اصلاح طلب و که ناکام، سرافکنه و پراکنده
دمکراتیک در کشور فراهم مجلس را ترک کردند. استیضاح
آورد. مردم انتظار دارند که اتفاق طرفدار خاتمه را به هم
دولت اکنون یدون تعلل در راه نزدیک کرد و بنا بر تعییر برخی
هموار کردن آزادی‌های واقعی از روزنامه‌های داخل کشور، با
سطوعات پگذاره و به این استیضاح، جناح راست در
سیاست‌های محافظه‌کارانه پایان مجلس از اکثریت افتاد.

استقلال تهران

مسابقات نهایی هیجدهمین دوره قسمه‌مانی باشگاه‌های فوتبال آسیا، روز جمعه، ۱۰ اردیبهشت در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شد و تیم استقلال، نماینده ایران در این دوره از مسابقات با شکست ۲ بر ۱ مقام قسمه‌مانی باشگاه‌های آسیا را به تیم ژاپنی جوییلابیواتا و اگذار کرد. گلهای بازی را برابر تیم ژاپنی هیدتو سوزوکی در دقیقه ۳۵ و ماساشی ناكایاما در دقیقه ۴۵ و برای استقلال سیروس دین هدایت داد. علی‌محمدی در وقت

خبر: در ترکیه از ورود یک نماینده مسحوبه به مجلس جلوگیری گردند.
از اطلاعیه بخش خواهران جامعه اسلامی دانشجویان ایران در اعتراض به این رویداد:
... در اعتراض به اقدامات برخی از دولتمردان و نماینده‌گان پارلمان ترکیه نسبت به نماینده مسحوبه، در روز شنبه...
تظاهراتی از مقابل درب شرقی ملک احمد گل باشید.

تمیه فرمان خود تغییر کند و گزند

از مردم فیلم و دانشجویان
گرامی دعوت میشود تا با شرکت
در این نظاهات در حمایت از
آزادی و حقوق بشر و ارزش‌های
اسلامی، در مقابل دیدگان
جهانیان به نمایش گذارند که...»
» از وظایف داخلی: به
همانگونه که تاکنون در مقابل
دوچرخه سواری حتی با پوشش
سطوح داشته‌ایم که در دنیای متعدد و
آزاد اروزگین، صحبت یک دختر
با یک پسر در محوط داشته‌گاه
زیر روسربی، رو در روشنی با
خداوند تعامل و سبل حقوق بشر
و آزادی بوده و برای حفظ آن،
منحرفین و محركین فساد را از
سطوح داشته‌گاه و جامعه در پر کرده
و شکار می‌کنیم تا حرمت آزادی
لپاس به رنگهای تحریک کننده؛



شاعر کرمان را کشتند!

دستی هیان دشنه و دل نیست؟

به نقل از نشریه «بایا»؛ فروردین واردیبهشت ۱۳۷۸

در آخرين شب تاسihan گذشته رضا حاجي زاده و سر اسلام کارون را کشند. اين آغاز سلسله قتل هاي بود که ايران را تکان داد. در میان روشنگران و آزادخواهان که قرباني این سلسله جنایات شدند، نام رضا حاجي زاده و فرزندش کارون، کعنتر مورد توجه قرار گرفت؛ شاید جون او به انداده ذمکر قربانی این جنایات نامادر نبود، شاید که در شهری نسبتاً دورافتاده به قتل رسیده بود، اما هر چو بود، این جنایات فجیع ترین همه این جنایات بود.

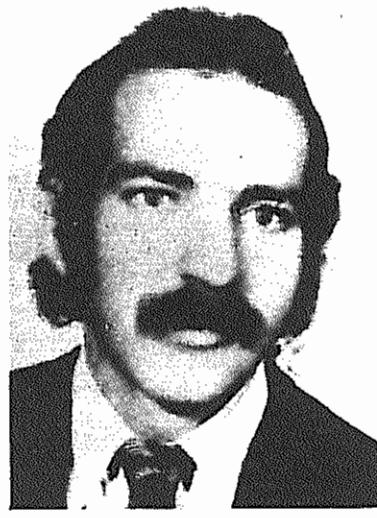
نشریه بایا که خشین شعار خود را در ایران منتشر کرده است، به باد رضا حاجي زاده و فرزند خردسالش مقابله دارد. اين مقاله را با تراجم داشت يار رضا و کارون می خوانيم:

غفلت گوهرشکنان

رغبت از کسوپه از دشنه بروون، سرگشان
فکسته، سوخته، باده، را دل باورشکنان
نیست در گوهر را کم، فلک از گلکه وی
دل آشفته شه از غفلت گوهرشکنان
شیه مرغ قفس را به چون شوام بود
گر پدر و چد پدر پرورشند خود را بشد
مجازات آنها کمتر از قاتل معمولی است. سن
زمانی می توانیم ادعای کنم که براي کوکان
گامی موثر برداشتیم که قوانین را به تنع
کوکان تغییر دهیم. می دانید من بلوغ در ایران
برای دفتر ۹ سال و براي سرس پازدده می شال است.
اگر پدر و چد پدر پرورشند خود را بشد
مجازات آنها کمتر از قاتل معمولی است. سن
در دام می گلند گلند ساگر شکنان
فود راه اصلاح این قوانین در حقیقت
که شکسته تر می باشد که براي کوکان
سرزینمان کردیم. اما براي رسیدن به این هدف
مبارزه می کنیم و فرا رسیدن آن روز هم دیر
نیست، یعنی زمینه بسیار مساعدی برای اصلاح
قوایین وجود دارد.

● با توجه به اینکه در عرصه حقوق زنان
پس از انتخاب گلند گلند می شود و مقام
برداشته شده است، آیا هنوز می توان امید
داشت که دولت جدید بتواند گام در جهت تغییر
اساسی قوانین مردسالار تحمیل شده بر زنان
بردارد؟

○ خانم ماهیان، همان گونه که اشاره کردید
قوایین ما بسیار مردسالارانه است، تعجبی بر
اساس جنسیت را در اغلب زمینه های داریم.
اصلاح این قوانین بر عهده مجلس است و آقای
حاتمی در این مورد اختیاری ندارد، اما آزادی
مطبوعات که بعد از پیروزی مردم در دوم خرداد
پیش از آنده، امید و رفاقت این اتفاق خانم
شوش نشسته به قدم را شفیرشکنان
پاسی مامور! از این پس افسر شکنان
تجاج برداشته ایم از سر افسر شکنان
حید حاجی زاده



را بیزید، قلبم را از تپیدن باز دارید، فروغ
زنده کی را در قلبم به خاموشی و سکوت
وادارید. اری، من خون شاعر کرمان را در
رگها دارم، رگ هایم را بدرید، پیکرم را مسله
کنید، بکشیدم! اما چشم هایم را نبینید.
می خواهم آخرین تلالو زندگی را در چشم های
پدر ببینم؛ در چشم های پدر بی پناهم که با
دست های خالی و بی سلاح به مصاف تیغ های
آخه رفت. باشد که زندگی را براي من، براي
آسمان پرستاره کرمان، براي ایند، براي
انسانی که آنده ای پرستاره و پر نور و پر
زنده کی را به انتظار نشسته، پاس بدارد. اری،
خون حمید حاجی زاده شاعر، نویسنده، محقق،
فرزندش کارون در اوج بی پناهم و بی گناهی
ریخت، و اشب ۹۰ و زان می گرد، و
امشب شب پسند است، دراز ترین شب سال.
نمی دانم این کار را شاقوتن بنام یا شناعت با
ناظور نمردی. اسمها همیست ندارند. در حیرتم
چطور می توan غروب آخرين تلالو حیات را در
چشمان پسri ۹ ساله نظره گر شد و نازدید.

چطور می توan شعله حیات را در اوج
شکوفایی اش به خاموشی واداشت. از به کار
بردن و زده ددمشی به خاطر احترام به روح
والای جانوران سصوم حضور پر هیز می کنم، و از
انسان بودن خود شرمگین. ایا مرحمی بر این
زخم های روح خود را انسانیت سراغ
دارید؟... بدرود حمید! بدرود کارون! ارام
بخواهیم. دیگر نه دردی، نه حرستی، نه زخمی،
نه کاردي، نه شفاوتی. آرام بخواب حمید! ارام
بخواب کارون! «دریا نیز می میرد». سالها و
سال های دیگر وقتی بیهار با انسان پشت پنجه
همخواه می شود، حضور شما را در رویش هر
سپهه، در شکختن هر گل، در روز هر نیم، در
تلالو هر ستاره از ستاره های بی شمار انسان
کارمن، که دستوری اش به خاموشی واداشت. از به کار
بردن و زده ددمشی به خاطر احترام به روح
والای جانوران سصوم حضور پر هیز می کنم، و از
انسان بودن خود شرمگین. ایا مرحمی بر این
زخم های روح خود را انسانیت سراغ
دارید؟... بدرود حمید! بدرود کارون! ارام
بخواهیم. دیگر نه دردی، نه حرستی، نه زخمی،

نمی شد سی و یکم شهرویور ۱۳۷۷، کرمان.
شاعر ماده خواب است. کارون، گل پسri ۹
ساله انشا هم. انسان پرستاره شکنان
نظرالله گر رویاهای شیرین این دو است: زندگی،
اینده، امید، شکنگنی، رایش، تداوم هستی در
یکران کائنات. «تو لود و تکامل گلند گام در مغز به
شب، صدای زنجره ها، نفس پاییز. شب، سیاهی،
ظلمت». نامرد قدان مردانگی اش را در شب
پنهان کرده است. «تیغ بر هنده به دست زنگی
میست: یک، دو، سه... ۲۷ ضریب. مصاف
دست های خالی با تیزی و براشی آهن، بی پناهم،
فریادهای خفده شده در دل سیاهی شب. یک، دو،
سه... پیست و هفت ضریب تیغ اخته برا پیکر
بی حفاظ شاعر؛ و گنجه نوشکنکش که از
اصطکاک اهن و گلند، رویاهای شیرین را و
نهاده و چشم بر شناثه و فجاعتی گشوده است
چون گردنگی ها. در واقع، ما تاریخ گزاران بوده ایم،
که تاریخ نویسان. نه از تولد در غرور باز خواهیم
می افتد. پاداره چشم شوخدن به کنده. هر گز از یم
آنچه که قیام شده را در شعر وصف می کند. در دناتاک این هستی پیشی ۱۱ ضریب قلم را
و فک شکافته و قلب تکه تکه شده و چشم ای
به حیرت گشاده ماند. ای شمشیرها فرد آیدا
این نیز می میرد. از پشت شیشه های خایان نظر
کنید، خون را به سنگفرش بسینید. این خون
صیخه ایست گوئی به سنتگری را شکفت. را، شر را،
معصومیت را، بی پناهم را تا خواهیم گفت.
بدروز حمید، بدرود کارون. آرام بخواب این
این خون را به سنتگری را شکفت. را، شر را،
می تهد دل خورشید در قطرهای آن! می دانی
کارون؟ مادر بزرگی را، زندگی، رایش، فروز آثید
دلش براي چشم های دریانی تو چقدر تگ شده
بود؟ می دانی؟

بايد به دوش بکشند، زیرا در قرون ۵۰ زندگی می کنند و
روشنگرند، ولی احساستان، ایمانشان و اعتقادشان در ده
قرن، بازده فرن و چهارده فرن پیش قوار دارد...

۱) نقل قول هایی که به مأخذ آنها اشاره نشده در همه
متن از مجموعه آثار علی شریعتی است.
۲) ماقس ویر، اخلاق پرستانی و روح سرمایه داری

۳) همانجا
۴) یورگن هایر ماس، گفتگان فلسفی مدرن
۵) هنکل، فلسفه حقوق

۶) همانجا
۷) ماقس ویر، مفاهیم اساسی جامعه شناسی
۸) همانجا

۹) رضا شعبانی، مبانی تاریخ اجتماعی ایران
۱۰) م. والرس، جامعه مدنی و دمکراسی امریکایی

مصاحبه با شیرین عبادی

درایران دو تفکر سنتی و مدرن در تضاد و مبارزه هستند



شما، از چگونگی انتخابات و وضعیت فعلی
کانون نویسندگان و برنامه اینده آن برایمان
پوکید.

○ هنگام انتخابات هیات دیپلم موقت کانون
نویسندگان من در ایران نبودم، بلکه در
سیناری در فرانسه شرکت داشتم. غایباً از
طرف دوستان انتخاب شدم. مهتمی وظیفه
هیات دیپلم موقت تهیه اساسنامه و مشور
کانون است و سپس دعوت از مجمع عمومی
برای بازخوانی و تصویب اساسنامه.

● خانم عبادی، شما یکی از بنیانگذاران
جمعیت دفاع از کوکان در ایران هستید. الان

این جمعیت چه موقعیتی دارد؟ آیا توانسته
گام هایی برای کوکان سرزینمان بردارد؟

○ زمانی می توانیم ادعای کنم که براي کوکان
گامی موثر برداشتیم که قوانین را به تنع
کوکان تغییر دهیم. می دانید من بلوغ در ایران
برای دفتر ۹ سال و براي سرس پیازده می شال.
اگر پدر و چد پدر پرورشند خود را بشد
مجازات آنها کمتر از قاتل معمولی است. سن
متولیت کیفری در ایران بسیار پایین است و...
بنابراین با اصلاح این قوانین در حقیقت
نمی توان گفت که گار مهمنی برای کوکان
سرزینمان کردیم. اما براي رسیدن به این هدف
مبارزه می کنیم و فرا رسیدن آن روز هم دیر
نیست، یعنی زمینه بسیار مساعدی برای اصلاح
قوایین وجود دارد.

● با توجه به اینکه در عرصه حقوق زنان
پس از انتخاب گلند گلند می شود و مقام

برداشته شده است، آیا هنوز می توان امید
داشت که دولت جدید بتواند گام در جهت تغییر
اساسی قوانین مردسالار تحمیل شده بر زنان
بردارد؟

○ خانم ماهیان، همان گونه که اشاره کردید
قوایین ما بسیار مردسالارانه است، تعجبی بر
اساس جنسیت را در اغلب زمینه های داریم.
اصلاح این قوانین بر عهده مجلس است و آقای
حاتمی در این مورد اختیاری ندارد، اما آزادی
مطبوعات که بعد از پیروزی مردم در دوم خرداد
پیش از آنده، امید و رفاقت این اتفاق خانم
شیوه احتمال شکنن سر هم هست، اما این
همیشه احتمال شکنن سر هم هست، اما این
موضع نایاب منجع به ترک میدان شود.

● شایانه عنوان یکی از دیپلم موقت کانون
نویسندگان انتخاب شدید. ضمن تبریک به

در تاریخ ۷ نوامبر مه (۱۷-۱۹ اردیبهشت)، کنفرانسی
در شهر استهکلم سوئد از طرف نشریه «مدوسا» با نام
«ملزومات و موانع آزادی زن در ایران افسوس» برگزار
گردید. سخنران مخفتفی در این کنفرانس حضور داشتند.
از این خانم شریون عادی (وکیل دادگستری و فعال مسابی
زنان)، شرکت داشت. در حاشیه این کنفرانس وظیفه عضویت
مأهاب لفتوانی با خانم شیرین عبادی انجام داد که در زیر
می خوانید:

۱) عفت ماهیان چه خبر؟
○ شیرین عبادی: خبر تازه در مردم «شورای

اسلامی شهر» است که بالاخره بعد از سال ها
انتظار افتتاح شد. خصوصاً پیروزی مردم
شورانگیز بود، زیرا آقای عبدالله نوری که چند
ماه قبل با استیضاح مجلس شورای اسلامی از
وزارت امور اقتصادی برکار شدند، داوطلب
در شورا بود و صلاحیت او در نهایت بد
تصویر رسید. در انتخابات، او به عنوان
نایابه اول شهر تهران انتخاب شد و سپس به
زمان پر نداشتند که با نگرش سنتی و
مردسلارانه در صدد سرکوب زنان نیز بر
نمایندگانی که مخالف مردم هستند را به خود
آورد و آنرا را مستوجه خود را بود.

○ در عرصه زنان در این دو سال (پس از
در خداداد، چه گامهایی برداشتند شده است؟
فراد و فرد های مبارزه زنان در این دوره چه
بوده است؟

○ مهمنتین مساله زنان در ایران قوانینی
است که حقوق آنان را نایابه می گیرد. تغییر این
قوانین در صلاحیت مجلس است که جناح
محافظه کار در آن اکثربت دارد و در این مورد
ریسجمهور نمی تواند کاری بکند. اما نکته
مهم آن است که بعد از دوم خرداد ۷۶ جون
فضای بازی برای مطبوعات ایجاد شده و آن را
آزادی پیشتری حق نوشتند دارند، بنابراین
مشکلات زنان هم روشنتر بیان می شود و به
عبارتی صحبت از قوانینی چون قصاص و حدود
که قیام شدن اینها می تردد کاری از زلزله
همیشه احتمال شکنن سر هم هست، اما این
موضو نایاب منجع به ترک میدان شود.

● شایانه عنوان یکی از دیپلم موقت کانون
نویسندگان انتخاب شدید. ضمن تبریک به

ما تاریخ گزار بودیم

سیمین بهمنیان

می پرسید: چه دستاوردی از ادبیات بیست
سال اخیر داریم؟
چرا می برای این پرسش انتخاب کردند؟
آن هم با چنین ابرازی؟
ما (نویسندگان و شاعران را می گیریم)
وازگرگان خود را از میان دود و اتش و
خون، چنگ و چنون گذر گردیده ایم و به اینجا
رسانده ایم. گفتم «این جا»، و حال آنکه اینجا
نکنند. کتاب هایان شش سال و شش سال و ده
تکه زمین است که می لزد از زلزله شکفت
که باز نمی ایستد و آن چه به اینجا آورده ایم با
هیمن زمین می لزد و اذا زلزله اراضی
زلزله ایم. گفتم «این جا»، و حال آنکه اینجا
و قیاره می برد. بواهیان غلاظ و شداد مادینه
از جنس خودم) دستمال سفید به چشم سیاه
می کشیدند که کار خداست! عجب روزگاری! و
تازه این از آنکه جور ایسی بر سر جور ای
خانم زنی پس از تاریخ را نوشتند در نوشتند
در دناتاک این هستی پیشی ۱۱ ضریب
است تا سه گرت زدن مادیان سرخ یا! را
ورق کاغذی شهادت دهیم. ما قلم در دل خون
زید و نوشیم که سروهای بلند در معیر بادهای
پرگزند چگونه به خاک افتادند. ما نوشیم که
خاک افتادن تا ما از خاک برخیزیم. ما روح
ای شمشیرها، بخوانید ای بلال های رگ؛ ای
تاریخ را نوشتند در نوشتند در نوشتند
آشکار است. ما تاریخ گزاری کردیم، نه تاریخ
نگاری. این است تنهای دستاورد بیست ساله و
پیش از بیست ساله ما... ۱۷/۱۱/۷۷

شکل دیگر دریافت، هم و غم خود را بر سر
نهاد، گزینه خود را پیش از اینکه شکنند و می بینند. حفظ
ماورائی جلو، دادن این ها طلق سازد. این نیزی
تحلیل در تفکر جوهر گزاریان خود به تحلیل رفت زیر
رابطه علت و معلوی را معکوس و با «قدی» ساختن
از چندین «صفات» منسوب به مفهوم زن در نهایت
حق تعیین سرتوشت وی را از طبق ادغام و انحلال
از عناصر تدقیک و تمیز ما از روایت پیوندهای
اسنایی خانوادگی جمیع منعی در غرب لقب نهاد.
خود آنکه ویستگی اجتماعی را زین توری «یمه
تمام» داده و این بخش از مفهوم زن ایده‌آل خود
و لذا دوست داشتن برتر از عشق معنا می شود

بودند. من با خبر شدم که به کتابی از نویسنده‌ای بزرگ اجازه جاپ داد شده است، بل‌افاصله خود من جلوی کتاب را گرفت، بد دلیل شناخت که داشتم و از قبیل موضوع کتاب را می‌دانستم.

۲۴ هزار جلد کتابی که ما اجازه دادیم چه مقدار کتاب‌های غیر مجاز است، معقول نیست که مابه عنوان و زارت فرهنگ و ارشاد پکنیم از انتشار آین مقدار کتاب جلوگیری کردیم و جلوی آن انتشار آن کتاب را گرفتیم.

مهاجرانی و گذان نویسنده‌گان

آقای مهاجرانی در نقطه خود با همان منطقی که نویسنده‌گان و هنرمندان را ارزش‌گذاری می‌کند و «مدار او تاکل» با آنان را به نمایندگان جناح رقیب در مجلس توصیه می‌کند، ابه ازیابی از کانون نویسنده‌گان ایران می‌پردازد و اجازه تجدید فعالیت مستشکل آنان را مدل می‌کند در بحث آنالی مهاجرانی حق نویسنده‌گان ایران در داشتن کانون مهاجرانی خواهد داشت. این مقدار کتاب جلوگیری کردیم و جلوی آن انتشار را گرفتیم.

ارشد گفتم: اگر می‌خواهید انسانهای اشتهای بشید پاید از ماجراه بگیرید. بدون اجازه که نمی‌توانید کانون داشته باشید... وقتی انسانهای را اوردن و ما گفتم انسانهای باشد در چارچوب قوانین و متناسب با قانون اساسی باشند. آسا این اشکال دارد؟ کانون نویسنده‌گان در وضع فعلی بسیار خود را به نام «خداآن جان و خود» شروع کرده است. مجموعه‌ای که پس از انتقال در هیچ‌یکی از نام خدا را به کار نمی‌بردند، آن هم به خاطر آن که می‌گفتند مددای در این تشکیلات مارکیست هستند و چون خدا را قبول ندارند، نماید نام برد. آیا به این مجموعه که تا این اندازه می‌خواهد ضوابط را پذیردند، بگویند که نمی‌شود فعالیت کنند؟

سخنرانی آقای مهاجرانی در کلیت خود، در چارچوب و یا معیارهای جمهوری اسلامی گام‌هایی به پیش است و با مراضع آن جناح و آن نیروهایی در حکومت که جزوئی و زدن و کشتن متشد برخیزند شناسند تفاوتی اشکار دارد. اما از آزادی خواهی و دمکراتی متشی واقعی فاصله‌ای سیار جدی دارد و نماید گرفتن آن تفاوت خطاًی بزرگ و پوشاندن این فاصله توهم افرینی و یا خودگیری خطرناکی است.

آن سوی سخنان آقای مهاجرانی

فریدون احمدی

مگر پیشنه سخنان اگر می‌خواهند دعوت کنم که در «بهم»

ایدیات داستانی می‌دانند؟

در جایی دیگر آقای مهاجرانی که از «خلاص‌های مطبوعاتی» سخن می‌گوید، پنین مقایسه‌ای صورت می‌دهد: «شما می‌پندارید که اگر بعضی از عوارض منفی را حذف کنیم، آن اگزه‌ها واقعیت‌ها از بین می‌روند» ۲۶ مال است که ما با تاچاقچی گاه مواد مخدر مازه می‌کنیم، آیا موفق شده‌ایم؟ «شما دیوان «فرزدق» را بخواهید... عده‌ای (به امام حسین) اعتراض می‌کرند که چرا شما به «فرزدق» پول دادید و هر از نظر فرهنگ و ارشاد مسلمان بیشتر است یا بود خود را برخی مطبوعات هم مطری کردند... تاثیر اقای مهاجرانی دلال دادن جایزه به خام سیمین داشت که در می‌تواند کارش اجرا شود. مهاجرانی می‌گوید:

آن را نیگونه بیان می‌کند: «شما از سخنان ایجاد شده این روزهند تاثیر ... یک اجرای بوده اس سیار قابل توجه و به نظر تائیر عملی بر مبنی است. سخنان ایجاد شده ای این روزهند ... عده‌ای (به امام حسین) هنری وی را بینید آن چه که در مورد هنر دینی و هنر از نظر اسلام نوشت است، چه کسی می‌تواند فرمودند اگر من پول بدیم بهتر است یا بود از معاویه بول بگیرد ... بعد همین فرزدق است که تحت انتقال اسلام نوشت است و غیر از فیلم است که در بینیست؟ چگونه یک نویسنده باید بگوید که به اسلام توجه دارد؟ او که در «جزیره سرگردانی» انتقال اسلامی را بعد مذهبی و معنوی اش تایید کرده است ... خام جلال آل احمد است ... حتی خانم سیمین دانشور را با خانم سیمین بیهقی اشتباه گرفتند ... ما به خانم سیمین دانشور جایزه دادیم ... خانم بیهقی شاعر و خانم سیمین دانشور نویسنده و رمان نویس است.

ایران کارنامه در دفاع از سخنان آقای مهاجرانی در این روزهند ... چون دلیل دادن جایزه به نویسنده‌گان ایدیات داستانی را نوشتند ... و نهادهای اسلامی عنوان کرد. پس از برگشتن فهرست پلابلندی از کسانی که خاطر نوشتن در باره خلاف مطبوعاتی، فاچاق مواد مخدور

آقای مهاجرانی که در گفتمان خود با نسایندگان پیش از این می‌گفتند مددای در این روزهند ... و حیان دیگر ایدیات داستانی که در تیقات ... تعلق به حوزه رسانه اسلامی و

نهادهای اسلامی ایجاد شده ای از سخنان داشتند ... و این روزهند ... مهاجرانی پیش از برگشتن

«دفاع مقدس»، تعلق به مصلحت نظام یا اسلامی و مذهبی بودند اثر یا مذهبی شدن هنرمند و نویسنده و

یا قاره گرفتن در چارچوب ارزشی نظام را توجیه کردند ... آقای نادر ابراهیمی که در این روزهند ... اش بدون داد ... را نوشتند که متواند حقوق کند که در ظاهری

از ایدیهای این اندیشه ای حرف گشته و سرکوبانه را

نداش می‌گفتند. از نظر او پیشانی چون «پیام انقلاب

عاشورا» را تبین کرد، قابل دفاع است. مهاجرانی که در این روزهند ... اقای نادر ابراهیمی که در این روزهند ... اش بدون داد ... را نوشتند که متواند حقوق کند که در این روزهند ... این کار را نهیز یک «کار مخفی» تلقی

می‌کند. این درست است که در تحلیل نهانی این حکومت

از ازادانه احزاب گشوده شود. اما حکومت فعلی، مثل

تاخالی فهمیده خواهد شد که به مقاصدی دیگر

زده شده است. تکیه بر جاهات قانون فعالیت می‌باشد از این راه

ارتباط ما با مردم و تکیه بر نیروی آنان است؛ امری که ب بدون آن صحبت از «مساره داره

تضمین حق فعالیت ازداده ای از این سیاستی «حرفي

توخالی فهمیده خواهد شد که به مقاصدی دیگر

زده شده است. این درست است که در تحلیل نهانی این حکومت

از ازادانه احزاب می‌باشد، تحمل خواهد

کرد. در وضع فعالیت دوره کناره ای از این روزهند ... مهاجرانی از آن طریق صدور یک فرمان از جانب

حکومت و به یکباره، بلکه ذره ذره، و با عبور از

یک مخفی نیست. شیوه‌ای هم که با بکارگیری آن

هیئت حداز از آرایی ها، پس از خرداد، بدست امده

نشان دهد که اثای می‌کند که علیت و قانونیت

از موثر ترین اهمیت های بر سرکوب حکومتی

و تامین گام به کام از ای های سیاسی است. از

سوی دیگر معنای عملی فعالیت مخفی از خردی

در راه تامین شرایط سیاستی که می‌باشد

نیروهایی که امکان حضور علی، و در نتیجه

سیاستی، را برای خود به هر تدبیر مخفی می‌کند.

بدین ترتیب علت اصلی معمق ماندن شعار

«فعالیت از ازادانه احزاب سیاسی» قبل از هر چیز

قدانی یک طرح و برنامه روشن و عملی برا

پیگیری آن و محول کردن همه چیز بر عهده دولت

خاتمه بوده است.

به برداشت من فقدان این طرح و برنامه بیش از

همه باز می‌گردد به این پرداشت غلط که گویا مادر

تولید و دامن به این ذهنیت درین مردم که ما

در این راه تامین شرایط سیاستی که می‌باشد

جایزه چیز بر عهده دولت

را تهییں می‌کند. حد پیشرفت ما در روندهای جاری

را تعیین می‌کند. حد انتکا ما به مردم و حد انتکا ما به حد موقعيت

ما در قانونی کردن و علی کردن جهات مختلف

جایزه خوش سستگی می‌باشد. هم از این رو

تدوین یک طرح و نقشه عملی را به هدف کسب

حق فعالیت علی و قانونی برای خود به اجرا

گذاریم.

در اینجا من خواهم کوشید فهرست اقدامات

سیاسی و اجرایی را که تصور می‌رود سازمان

پوشش قانونی برای فعالیت آنهاست.

این سوی سخنان آقای مهاجرانی

بهینگام دفاع از خود و رد طرح استیضاح، سخنان

مشروحی در جلس شورای اسلامی ایجاد کرد. این

سخنان در تقابل با استیضاح نشان داد

تمامیت گرای رژیم و دفاع از برخی از اقدامات

وزارت ارشاد در زمینه تخفیف سانسور و فشار بر

نویسنده‌گان و فرنگسازان کشور سریع و سحکم

بود. این موضع گیری از نظر سیاسی و در مختصات

لحظه کنونی دارای اهمیت و از نظر تأثیر عملی بر

فضای فرهنگی و طبیعتی کشور، مفید و پیش برند

است. سخنان مهاجرانی از سیاستی نیروها از

جمله نیروهایی در آپوزیسیون مورد استیضاح قرار

گرفت.

از سوی سخنان آقای مهاجرانی از مضامین و

جهندهای برخوردار بود و وزیر ارشاد تصامیم و

سیاستهای خود را بر تاکل و پنداشی ایجاد کرد

و مستدل کرد که سیار قابل توجه و به نظر تائیر عملی بر

منفی این ذهنیت نیست.

این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت

می‌گذارد. این ذهنیت نیز می‌باشد که علیه این ذهنیت

که خاطر نوشتن در باره این ذهنیت</p

گاشی بسیار مبهم و غیر قابل درک و توجیه است. تمامی این شش کوهی را که سا در اینجا معرفی کرد، هیچ‌کدام اشان نسبت به مکوب قدرت طلبی مصوّب ندانند. البته دو گروه روشنکران مذهبی و روشنکران غیر مذهبی بسیار کمتر از دیگر گروهها در معرض تعرض این مکوب هستند. پس چرا ماید گروه هشتمی را به گروه‌بندی هایمان اضافه ننمایم؟ ایا این قدرت و اعجاز عدد داشت که ما را به سوی خود می‌کشاند؟ هرچند که تمام گروهها با مقوله قدرت مساله‌دار و به نوعی آلوهه هستند ولی این تا حدودی همچوی و قابل درک است. مقصود نداریم وارد یک بهث عنی فلسفی شویم. فقط این نکته را خاطرنشان کنیم که مرض قدرت طبلی و قدرت پربرستی تا انجایی که از حدود طبیعی خود خارج نگردد بده است تا اندازای قابل علاج و مهار نتردن است ولی از آنجایی که از مرزهای خود فراتر رود دیگر هیچ چیز نمی‌تواند جلوی آزاد است و به عاملی ویران‌کننده مبدل خواهد شد که فقط با سلاح خودش من توان به منکر با برخاست که اینها به هیچ عنوان نمی‌توان روش معالجه نامید. پس روحی همین اصل ما قدرت طبلان افراطی را بعنوان گروه هفت و آخرين گروه را سایر گروهها دیگر مجزاً می‌دانیم. یک مرتعجن مذهبی شاید یک قدرت طبل افراطی نیز باشد ولی یک قدرت طبل افراطی حتی‌باشد که او بروانش چشم دوخته بود آیا می‌خواست که او بروز پتووار اماد خدا را بیاورد؟ نیچه که خود گفته باشد که احتساب زیاد مانند هیتلر را برای جانشینی او زیر سر گذاشت بود؟ و یا مارکس که دین را فون توده‌ها پندشت آیا خود می‌خواست دین جدیدی بوجود بیار و چگونه با غلطه و سفسطه کردن این عایب بزرگ را به مذہبان چسباند. برای این مذہب این انسان را به دست افرادی نظری پلپوت بسپارد که نهان چیزی که برایش ارزش نداشت همان خون آنها بود و یا امثال کمپاریسونگ راکه می‌لیوینها انسان از کوکان خردسال گرفته تا پیغمبر و پیروزنهای مد گور خده در مقابل تن عظیم کنند و بعدها می‌خواست از آنها چیزی داشت که این انسان را بیاورد و رعیان این گروه پیروانش را به اینستاکن و اداده‌مانند در حالیکه در آنیشان ریختن خون بیچ نیچه اینقدر از کشتن، تله و منگسار کردن سخن نرفته است. حتی به کوکان شیوخوار نیز نیاسنی ترجم کرد. در حالیکه دولت اسرائیل که خودش می‌دانستند چطور حاضر می‌شوند آنرا به قاتم یک شخص خاص اندادند!؟ می‌دانستند چهار گروه و گوشش را از دوره مشروطیت و بعد از آن تاکنون جامعه مبارزه از این شریعت موسی است، زیر فشار روشنکران مذهبی و شاید تا حدودی مذهبیون دوش کشیده و هیچ چیز جز سرگذشانی را واده‌مانند در جایز نیست و آنروی قضیه که اگر کرسی رفته است، چه بیش در غیر این صورت حضرات درشان را خوب از حظ هستند و می‌دانند که چگونه با غلطه و سفسطه کردن این جدیدی بوجود بیار و حافظ و امثالیم مستمسک شوند و از شعر آنان برای مذهب و اسماهار اینی فقط و فقط در رابطه با انسان قابل توجه هستند. اگر انسان نبود پس برای خدا، دین و مذهب کند عین مسجدی شود و کسر پاریکش دلان و خواهان، برای اینست که گشتهای این ضرر را کسی می‌تواند به داخله خود بخورد و بردشت کند. پس آن توانیه اند تشخیص خوش را و بدانند که این کار را بیشتر به احتمال زیاده می‌گیرد، می‌پاسیتی خدا، دین و مذهب، همه و همه کرده خدمتش بسندند و کلید حل مشکلات و معضلات او باشند. ولی چرا روشنکران مذهبی خداوند محدودیت این قاله‌ای آن چشپوشی می‌کنم حال به همین اندک مقدمه بسته می‌کنم و به اصل مطلب می‌پردازم.

۱) در تاریخ اسلام ما هیچ‌گاه شاهد پدیدادن روشنکران مذهبی نبودیم و آن کسانی را که مذهبی و بعنوان روشنکران مذهبی می‌شانیم، جز مذهبیون روشنکران نبوده و نیستند.

۲) روشنکران مذهبی و مذهبی روشنکران دو مقوله مستقل و کاملاً جدا از یک‌یگرند و هیچ وجه اشتراکی نسبت به هم ندارند و نباید این دو را یکی پنداشت!

برای مثال شخصیتای جون دکتر علی شریعتی و استاد ابوالحسن بنی صدر و دکتر عبدالکریم روش

و... که در ذهن ما بعنوان روشنکران مذهبی جا باز کرده‌اند نه روشنکران مذهبی بلکه مذهبیون روشنکران هستند.

برای اثبات اینها لازم است که مذهب را بعنوان محور در نظر گیریم و تمام گروههای را که می‌توان در رابطه با آن گردآوری کرد یک‌یگر موره بحث و

بررسی قرار دهیم. حاصل این تلاش شناسایی هفت

گروه و برسی موضع اثبات است که مذهب را بعنوان

عنوان واضح و مشخص نبوده است. انسان با یکار

بردن اشارات و کنایات در قالب شعر که خود زیانی نگایو و ناعمن است کلaf سردرگمی درست

کرده‌اند که کترکسی می‌تواند اعاکند که او لوا فقط در

رابطه با خواص بوده و شایانی گفته ایان بیچ

که هست، درست پذیرند حال در رابطه با رشد

که می‌خواهد باشد برای اینها هیچ توفیری نمی‌کند.

اینان چون انسان‌های یک‌یگری و چشم‌اندازی

می‌دانند. این درست همان دیگر گرفته تا نیجه

می‌دانند و از مذهب یک‌یگر می‌دانند اینها

آن گایو و ناعمن است که مذهب را بعنوان

نیجه که خود باشد می‌گیرند و از هیچ نیجه

که خود باشد می‌گیرند و اینها اینست

که مذهب را بعنوان مذهبی نمی‌دانند

<p

انشعاب در حزب کمونیست کارگری

مجدداً برای شکل دادن به
خوداگاهی و تحریب
سوسیالیستی در طبقه کارگر
است.

ماه گذشته بخشی از کادرها و عضا حزب کمونیست کارگری مسنجمله ۵ تن از اعضاء کمیته مرکزی این حزب از آن انشعاب کردند. این حزب طی پیک طلاعیه مطبوعاتی تعداد چندادگان را ۴۱ تن اعلام کرد که در میان آنها اسامی یهمن شفیق و رضا مقدم از کادرهای شیخانگذار این حزب بچشم می خورد. آقای رضا مقدم در ارتباط با جداسازی از حزب طی اطلاعیهای اعلام کرد: «در تاریخ هشتم اوریل به کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران رسماً اطلاع دادم که این حزب را ترک می کنم. از انجا که یکی از چهار تن بنیانگذاران این حزب در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ بودم، نتشار عمومی اطلاعیه حاضر را لازم می داشم.

حزب کمونیست کارگری ایران بر مبنای یک درک بنیادی شکل گرفت که مارکسیسم صرف تبیین نظری اهداف و شیوه های حرکت انسانگذیر و همیشه موجود طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری است. آنچه که تحت نام مارکسیسم و کمونیسم در ایران وجود داشته چیزی هز جنبش طبقات غیر کارگر نبوده است. و بنابراین تلاش برای ایجاد حزب سوسیالیستی کارگری بیش از هر مرزبندی فکری و برنامه ای، محتاج یک انتقال طبقاتی است.

این حزب در شرایطی تشکیل شد که پروسه فروپاشی سلوک عضوری دستیابی یک تعریض عظیم جهانی در همه عرصه های نظری، سیاسی، اقتصادی علیه طبقه کارگر و تغیر سوسیالیستی شده بود. حزب بر این واقعیت آگاه بود و اعلام کرد که در چنین شرایطی تنها فرصت کوتاه معینی برای انجام این انتقال طبقاتی، برای تبدیل به حزب حرکت سوسیالیستی کارگران، در اختیار دارد، و چنانچه در این کار موفق شود به فرقه ای در کنار فرقه های غیر کارگری چپ تاکونی موجود بدل خواهد شد که هویتش را تهها در مرزبندی های برنامه ای و تاکتیکی باید جستجو کرد و نه در یک هویت طبقاتی متفاوت.

حزب کمونیست کارگری ایران در انجام این کار شکست خورد. اذاعن به شکست، اگرچه از زاویه منافع تشكیلاتی مسکن است به تضعیف و پراکندگی منجر شود، اما از نظر منافع طبقه کارگر نخستین پیش شرط تلاش

کیفی اش دچار تعدیل شد و آن استحکام او لیه خود را از دست داد که طبیعتاً در پیگیری آرمان‌های ۵۷ تائیری مستقیم

پیگای دناراد.
به هر حال محصول استراتژی خرداد ۶۰ از یک سو سرکوب عمومی جریان خای سیاسی و از سوی دیگر تعدیل پیشکر آرمان خواه نظام بود که پطور مستقیم بر پیگیری شعارهای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تأثیری منفی بجای گذارد.
هرچند که قبیل از دوم خرداد ۷۶ یک ابهام عمومی در نیروها و چون داشت که بالآخره این فرایند به کجا منتهی خواهد شد، اما پرهیز از حرکت انتاگونیستی و نصب العین قرارداد قانون اساسی با محتوای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به گونه‌ای تدریجی زمینه ظهور جنبش دوم خرداد را فراهم ساخته. در دوم خرداد ۷۶ برای نیروها مسجل شده که روند توام با صبر و متانت آنها یک مشی صحیح بوده و بدین ترتیب در چنین خرداد یک استراتژی قانونمند پا به عرصه گذاشت که حاملان آن در صدد پیگیری آرمان‌های ۵۷ و صورت تدوین یافته آن یعنی قانون اساسی بودند.
در مقطع کوتني نباید جلوتر یا عقبتر از خاتمه حرکت نمود. جریان روشنگری باید متاضعانه و بدون آن که خود را قیم دوم خرداد بداند، در صدد کشف قانونمندی‌های حرکت اجتماعی سردم و طراحی آن پاشد. پرسخی کسکاری‌های گذشته خود را با چپروی می‌خواهند جیران کنند تا قبیل از دوم خرداد بر این اعتقاد بودند که انزوایی جناح راست به پنجاه سال کار فرهنگی نیاز دارد، ولی بعد از دوم خرداد شعار حذف را داده و مسی دهند، تا حرکت متنی و قانونی خاتمه را روپیانی و غیر بنیادی و شاعرانه نشان دهن.
راهکار قانون اساسی را باید راهنمای عمل خود قرار دهیم، همانگونه که به بهانه استقلال نمی‌توان آزادی را مخدوش نمود، باید توجه داشت که استقلال و تمامی اوضاعی ما در خط راست و مان باید برای چندمین بار استقلال خود را به آزمون بگذرانیم، از این راه حرکتی که به تجزیه و تلاشی ایران یانجامد، ولو با انگیزه‌های خیرخواهانه، نمی‌تواند تداوم شعارهای بهمن ۵۷ و خرداد ۷۶ پاشد.

انقلاب بهمن و دوم خرداد

محور آزادی جدی بود و جدیتر
تلخی از دین و حکومت دینی.
در پانز سال ۱۳۵۸ مسئله
ولایت فقیه به رغم عدم
پیش‌بینی در پیش‌نویس قانون
می‌بینیم که جمع شدن بساط
سلطنت موروئی در مجموع در
بلند مدت بد نفع رشد و
شکوفایی جامعه ما بود و انقلاب
در اشکالی متعالی تری تداوم

محور آزادی جدی بود و جدیتر تلقی از دین و حکومت دنی. در پانز سال ۱۳۵۸ مسئله ولایت فقیه به رغم عدم پیش‌بینی در پیش‌نویس قانون اساسی در زمرة اصول تغیرناپذیر قانون اساسی درآمد و تعارض بین این نحوه تلقی از دین و سیاست با اصول مبتنی بر مردم‌سالاری و جمهوریت نادیده گرفته شد.

مردم در هفتین انتخابات ریاست جمهوری به جریان تماشی خواه «نـه» گفتند و به مناسبترین گزینه‌ای که از فیلتر تنگ نظرارت استصوابی گذشته بود، به طرز شکستگانگیزی رای «اـرـی» دادند. رئیس جمهور منتخب کو شد در کار وفاداری به اصل ولایت فقیه، نهادهای مستفول انقلاب یعنی قانون اساسی، مشارکت مردم، آزادی‌های قانونی و در یک کلمه جامعه‌مدنی را ایجاد کرد. این نهادهای مستفول همان مطالبات نخستین انقلاب است که با دو دهه تاریخی، یکی دو سال است در ایران دیواره به جریان افتاده است. مشکلاتی که در یکی دو سال اخیر در ایران پروروز کرد، بهایی است که ایرانیان برای استقرار آرمان‌های انقلابی به تاخیر افتاده‌شان می‌پردازند. نهادهای شدن این آرمان‌های والا در گرو حل بینایی تعارضات ساختاری بین اندیشه جمهوری اسلامی و اندیشه حکومت ولایتی است و تازمانی که در حوزه امور عمومی تعارضات دو بنیاد متفاوت حق خداداد مردم از یک سو و حق ویژه شرعاً فقها و متحجوریت مردم از سوی دیگر، به نفع آرمان‌های نخستین انقلاب اسلامی حل شود، نه نهادهای قانونی محقق می‌شوند. ته جمهوری اسلامی واقعاً شکل می‌گیرد.

لطف‌الله میثمی

در مقایسه خرداد ۶۰ و خرداد ۷۶ می‌توان به دو نوع استراتژی متمایز اشاره نمود. در خرداد ۶۰ پرسخی نیروها راه مسلحانه را برگزیند و پاتنسیل موجود در نظام و خارج از نظام را که می‌توانست آرمانهای انقلاب را تحقق بخشد، تضعیف نمود و در نهایت خود آنها به گونه‌ای دچار پرسفت شدند که بانظام فاشیستی، امنیتی عراق پیوند خوردند. به تبع این گزینش استراتژیک نظام سیاسی هم به دلیل از دست دادن نیروهای

می‌بینیم که جمع شدن بساط سلطنت موروثی در مجموع در باند مدت به نفع رشد و شکوفایی جامعه ما بود و انقلاب در اشکالی متعالی تری تداوم می‌یابد. در سرحله کنونی خواست مردم اصلاحات اساسی ساختاری است. روندی که هم اکنون در میهن ما توسط خود مردم آغاز شده است که از انقلاب مشروطه در پایان استبداد سلطنتی، با شعار برپایی عدالتخانه، حکومت قانون و قرارداد یا همان «شارتر» اجتماعی شروع شد، با دیکتاتوری سلطنتی و ققهه یافت و در انقلاب بهمن با شعار «جمهوری» به بلوغ رسید و اینک با طرح شعار «جامعه مدنی» نزدیک است تا مبانی یک جامعه مردم‌سالار را ترسیم کند. این جنبش خودجوش از سویی محصول یک دهد کار فشرده فرهنگی روشنگران ما، و از دیگر سوی دو دهه تلاش مسترنسل جوان انقلاب است و بالاخره و بالاخص، نساد خودآگاهی و ابراز شخصیت توده‌های میلیونی و اکثریت مردم است که زیر «خط فقر» و فاقه و فشار روزمره می‌زیند و نیاز به آزادی و مدارک را بگوشت و پوست خوبی حس می‌کنند. در این میان پیشاهمگ و طلایه‌دار این تحول و تبدیل نهضت نوادرانشی و سیرايش دین از زنگارهای طبقاتی و تهرهایی قرون است. همچنانکه در تاریخ مدرنیته غرب و میسیحیت از سده سیزده به این سو، شاهد آن بوددایم: «جامعه مدنی» و «راهیه سمت اصل حاکمیت و سیاست» در «دولت - ملت» نوین و به کرسی نشاندن عقل و آزادی و حقوق انسانی گشود.

وروود به میدان کار و پیکار جامعه مدنی، مطالبه ازادی‌های بیان و تجمع و تشکل و حقوق اساسی مدنی، سیاسی و اجتماعی و حفاظت از این دستاوردها، سامان بخشیدن به تشکل‌های صنفی و سیاسی ... و ترسیم چشم‌اندازهای تازه نظری و شکوفایی «مفهوم و نهاد» مردم‌سالاری و جمهوریت، هشیاری در پایان دام‌چینی‌های جیوه و اس‌گرایی (یا «انقلاب» و «تقلیب» بد معنای قرآنی کلمه)، که تشهی خشونت و «شبده» (مخدوش ساختن خطوط حقیقی و باطل) اند تا گل آورد کن اب، سیر حرکت مردم را متوقف

فصل سوم
ناسی ترین
ملت ایران
د. با قانون
تون را به

فصل سوم
اسایی ترین
است ایران
با قانون
ون را به
می کنند
مشکلات
رو و حل
با روی
مشناختن
میرورمند
رفته شود.
د که در
بسط و در
حتی آن
خود خرداد
گرگرند نیز
ها در خلق
تباط و
اد و فعل
و مرج با
شدن اشکار
رند، دیگر
بسیارات
لیب دفاتر
و وحشت
ربایی و
راکارساز
در برابر
ح، که در
گاه به راه
ر زمان
در برابر
ویارویی
خط طبلان و
محدود به
ون حاکم
را رسیدن
ست که در
حضور
چگونگی
عنی فردای
ن.

اختصار
تاوردهای
مانهای
ستونهای
به تعبیر
حریقت
از آغاز
ی، موسوم
انقلاب،
رحمت و
عقیقگرد و
شکست
«حریقت
رداد تجلی
در مجموع
اما آرام،

نشریه ایران فردا در آخرین
شماره خود در مجموعه مقالاتی
تحت عنوان «در آغاز ده سوم،
آیا امیدی هست» مجموعه
مقالاتی از تعدادی از فعالان و
صاحب نظران اجتماعی و سیاسی
درج نموده است. این نشریه این
سؤال را به نظرخواهی تعدادی
از صاحب نظران گذاشته که

چشم انداز خود نسبت به ایندۀ ایران، آیا می‌توان امیدوار بود که با توجه به رخدادها و فراز و نشیب‌های پس از پیروزی انقلاب تاکنون، سرانجام خواسته‌ها، آرمان‌ها و شعارهای فراگیر و نخستین انقلاب نهادینه شوند؟ برخی تحلیلگران دوم خرداد و فضایی پس از آن را بازگشت به شعارها و ارزش‌های بست و

دوم بهمهن می‌دانند، نظر شما
چیست؟ و پاسخ‌های داده شده را
درج نموده است در برخی از این
پاسخ‌ها چنین آمده است:

رخدادهای مهم اجتماعی، اعم از رخدادهای دیروز، امروز و یا فرداها ریشه در عواملی دارند که نه ساخته ذهن یا آرزوی این و آن که پیامد سلسله عملت‌هایی عینی هستند. سلیقه و تمایل افراد

نمی تواند حلق اهای باشد.
اکنون مردم ایران در کار
تجربه‌ای دیگر قرار گرفته‌اند.
بهمن ۵۷ را با تجربه فروپاشی
نظام دیرپای سترگری پشت سر
نگذانید. باید دادن شعاعهای

دوران ساز استقلال و آزادی در
چارچوب نظامی که متکی بر عزم
استان آگاهی و تدبیر است.

اسور و آدیه چهارم مردم ایران
پود، تلاش برای دستیابی به
آرمان والای جامعه برقی از ستم
و برخودار از فضایی آزاد برای
تجلى آزادانه نظرات و اندیشهای
گونه گون را پس گرفتند. شرط
ضروری و نخست حرکت در جهت
فراهم آمدن شرایط تحقق چنان
از روی مسترگی درک روش
انبوه مردم از مضمون آن چیزی

پود که در شعارهای استقلال،
ازادی، جمهوری اسلامی ایران
داشته بودند؛ و این شدنی نبود
جز یا کوششی پیگیر از جانب
رسانده‌ها، احزاب و نهادها در
بر اساس آن آگاه

چه اصلاح رسانی و اسما
بخشیدن به مردم که همیشه در
تاریخ از تجربه دمکراسی باز
داشت شده بودند.

اینده در یک چشم انداز
دراز مدت می تواند امید پخش
باشد مشاهده اینکه:

- فضای سیاسی کشور چنان باشد که زبان‌ها از گفتن و قلم‌ها از نوشتن بازماند.
- هم‌بیان و همنگران بتوانند به مفاده نظر و آندیشه پیراذارند.

- اشکال متنوع همکاری و
مدلی در قالب تشکل‌های
گونه‌گون (شوراها، احزاب،
سنديکاهای اتحادیه‌ها) امکان
حضور یابند.

- ازادی سینا، ازادی اجتماعات، ازادی تبلیغ به دور از هرگونه محدودیت، از طریق نشریات، مطبوعات، ارگان‌های احزاب، میزگرد، گردشماهی‌ها و

- سیاستگذاری های سختاری ها تامین شود.
دست اندر کاران با صراحت و
شفافیت کامل با مردم در میان
گذاشته شود.

- مسترست سرمن در سیمه عرصه ها به جد گرفته شود و حضور مردم در فعالیت های سیاسی - اجتماعی نه همچون ایجاد برای تاسیس هدف هایی خاص و محدود، که همچون صاحبان حقیقی حقوق تلقی شود. - به رسمیت شناخته شدن و

محترم شمردن رای و نظر مردم و
تمکین به پیامدهای آن.

سازن را می‌توان به بجهه، گیری
قطاع و خالی از انسجام
میلیونی هوداران جبهه دوم
خرداد مضمون و محتوایی واقعی
و عملی یابد. همه در برابر قانون،

جلس شورای ملی مقاومت

ماه گذشته اجلس شورای مقاومت برگزار گردید. در یان این اجلس قطعنامه‌ای صوبی گردید که در آن آمده است: در سال ۷۷ تضادهای و نزی جناح‌های شریک در اسکمیت تشدید شد و در گیری دو جناح اصلی، هر اقدام سوی یک جناح، با نایابه‌جوانی جناح دیگر روبرو شد. کار به جایی رسید که باند امنیتی نسبت به «خط رنگونی» بر اثر بالاگرفتن این تضادها به کرات هشدار داد و نزد خاتمی در مقابل، با رهای تأیید رسود که «خاتمی آخرین شانس لام» شمرده می‌شود و برندۀ ای این مخاصمات درونی، در رون نظام است.

بالاگرفتن جنگ جناح‌ها، حصول تضاد اثی نایابی مردم نظام و لایت فیله و ناتوانی و نسبت کل روئی ارجاعی پیش وقوع سوین شقه در راس آن است؛ روئیمی که ضربات و هاجم‌های سیاسی و نظامی ناقومت آن را این پیش تر شده بی‌آینده‌تر کرده و به من نیست

